

متن پرسش

سلام علیکم در روش معرفت نفس دنیای عجیبی خوابیده است، گاهی جرات رفتن به سمت ان هم برای سخت می شود چطوری می شود که در نکته ی اول می گوئید انسان جدای از تن است ولی مگر می شود خود را بدون تن دید...سوال دوم این است: برای درک حضوری قلب اول دیدن بدن از یک سو و تصویر آن در خیال از سویی دیگر بدجور اذیتم می کند و گاهی از پا می افتم که چه کنم که اگر بخواهم نگاه کنم به قلبم نمی توانم او را بدون این ها درک کنم شما چطوری از اینها گذشتید خواهش میکنم داستان جدایی نگاهتان از بدن را برایم بگوئید... ممنون

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- دیدن منحصر به دیدن با چشم نیست، این که خود را احساس می کنیم یک نوع دیدن است ۲- همین که انسان آرام آرام نظر را از کثرت ها منصرف کند و متوجه حقیقت باشد ابتدا حقیقت خودش که همان نفس ناطقه است برایش ظهور می کند و سپس ان شاء الله متوجه حقیقت وحدانی عالم می شود. موفق باشید